

● **مقایسه‌ماهیت انتخابات در ایران و کشورهای مدعی‌دموکراسی**

در کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان، سرمایه‌داران و نظام سرمایه حاکم‌اند و براساس برنامه‌ای که سرمایه‌داران در کشور سازمان‌دهی کرده‌اند و حتی بر محور تکنیک مهندسی اجتماعی رأی را سرمایه‌داران معین می‌کنند و نقشی برای مردم در انتخابات نیست و لذا همیشه منتخبان وابسته به جریان سرمایه‌داری، حاکم بر این کشورها می‌باشند و حکومت می‌کنند. توجه دارید که نهضت ۹۹ درصدی آمریکا و نظیر همین حالت در فرانسه و تحرکاتی که در انگلیس ایجاد شده بود، در ادامه همین نظام سرمایه‌داری بود. مردم به‌تدریج احساس می‌کنند، کسانی که تکلیف آنها را تعیین می‌کنند و همه قدرت در دست آنهاست، یک درصد جامعه می‌باشند که آن هم سرمایه‌داران می‌باشند و تبعاً هیچ نقشی برای مردم در این راستا نیست.

● **انتخابات در نظام جمهوری‌اسلامی**

انتخابات در ایران اسلامی، کاملاً برعکس است. مردم تعیین‌کننده می‌باشند. دلیل ما روشن است. از سویی افرادی انتخاب می‌شوند که هیچ جریان سیاسی خاصی با آنها نبوده، دفعتاً جلو می‌آیند و خودشان را مطرح کنند. می‌توانند برنامه و شعارهایی را ارائه دهند و کاری کنند که نظر اکثریت مردم را جلب کنند؛ مثلاً در دوره آقای احمدی‌نژاد، کسی ایشان را نمی‌شناخت؛ ولی وی توانست، وارد انتخابات شود و نظر مردم را به خود جلب کند و دو دوره رئیس‌جمهور ایران شود. با اینکه آدم ناشناخته‌ای بود.

حتی خود ما و عامه مردم قبل از اینکه رئیس دولت نهم و دهم وارد عرصه انتخابات شود، او را نمی‌شناختیم. این نشان‌دهنده این است، آنچه در نظام جمهوری اسلامی حاکم است، رأی مردم است. حالا اینکه این رأی به چه شکلی به دست می‌آید و به دست آوردن رأی و نظر مردم چگونه می‌باشد، بحث دیگری است. به هر حال در انتخابات ایران، رأی مردم تعیین‌کننده می‌باشد و به‌همین دلیل انتخابات در ایران مهم و نقش اول اهمیت را دارد. اما نکته‌ای که از نظر دینی و نظام سیاسی اسلام، باید به آن توجه کرد، این است که در نظام سیاسی اسلام، قدرت را مردم می‌سازند و مشروعیت را خدای متعال تعیین می‌کند. خدا تعیین می‌کند که چه کسی اصلاح است و چه کسی حق حاکمیت دارد. این مشروعیت از سوی خدا و طبق معیارهای الهی تعیین می‌شود، حضرت حق تعالی معین می‌کند که چه کسی حق حاکمیت را دارد. اگر کسی از سوی خدا، مأذون برای حاکمیت نباشد، حاکمیت او مشروعیت پیدا نمی‌کند؛ چون فرمان‌روایی منحصراً در اختیار خداست. در همین رابطه در قرآن کریم تأکید بر این معنا شده است: در سوره آل عمران آیه ۲۶ آمده‌است: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِکُ الْمُلْکِ تُنْزِی الْمُلْکِ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِی الْمُلْکِ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ یَبْدَأُ الْخَیْرَ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ﴾؛ (ای پیغمبر! بگو: بار خدایا! ای مالک ملک هستی، تو هرکه را خواهی ملک و فرمان‌روایی بখشی و از هرکه خواهی مُلک و فرمان‌روایی را بازگیری و هرکه را خواهی عزت دهی و هرکه را خواهی خوار گردانی؛ هر خیر و نیکویی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی!)

این آیات به‌صراحت و تأکید، فرمان‌روایی را منحصراً حق خاص خداوند می‌داند و خداست که فرمان‌رواست و حق تعیین فرمان‌روا دارد و هر حاکمی که از سوی خدا منصوب برای فرمان‌روایی نشود، حکومت او مشروعیت ندارد.

این مشخص است و جای بحث نیست.

منتها همین حاکمی که مأذون از سوی خداست و مشروعیت او از سوی خدا تعیین شده، همین را باید مردم قدرت بدهند و سر کار بیاورند و انتخاب مردم است که حاکم مشروع را قدرت میدهد؛ لذا قدرت در نظام سیاسی اسلام، منبعاش یا منبع مشروعیت از هم جداست. بر خلاف دیدگاه مکاتب سکولاریستی که مشروعیت و قدرت را در هم ادغام می‌کنند. بنابر مکتب‌های سکولار هرکسی قدرت را به دست گرفت، مشروعیت هم دارد و براساس قاعده «الحق لمن غلب»، هرکسی به هر طریقی غلبه پیدا کند، حق با اوست. این دو

نگاهی مقایسه‌ای به انتخابات در دو اندیشه اسلامی و غربی

گفت‌وگو با آیت‌الله محسن اراکی

مردم در انتخابات ایران اسلامی، تعیین‌کننده می‌باشند. دلیل ما روشن است. از سویی افرادی انتخاب می‌شوند که هیچ جریان سیاسی خاصی با آنها نبوده، دفعتاً جلو می‌آیند و خودشان را مطرح کنند. می‌توانند برنامه و شعارهایی را ارائه دهند و کاری کنند که نظر اکثریت مردم را جلب کنند؛ مثلاً در دوره آقای احمدی‌نژاد، کسی ایشان را نمی‌شناخت؛ ولی وی توانست، وارد انتخابات شود و نظر مردم را به خود جلب کند و دو دوره رئیس‌جمهور ایران شود. با اینکه آدم ناشناخته‌ای بود. آیت‌الله محسن اراکی، عضو شورای‌عالی حوزه و عضو خبرگان رهبری در گفت‌وگویی با حوزه درباره اهمیت انتخابات اسفند ۱۴۰۲ به سوالاتی در این خصوص پاسخ گفته است که متن مصاحبه به شرح زیر است.

در زمان امام حسن علیه السلام همه اتفاق نظر داشتند که ایشان مشروعیت برای حاکمیت دارد؛ ولی با استفاده از مکر، فریب و تطمیع رؤوس شیوخ آن وقت و تهدید، جامعه را وادار کردند، قدرت را در اختیار معاویه قرار دهد و بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز گرفتار رنج آن انتخاب بد هستیم. از دیگر پیامد این رنج، خانه نشینی حاکمیت مشروع از سوی خدا و قرار گرفتن قدرت در اختیار افراد نامشروع بود. این کار را متأسفانه برخی از جوامع گذشته کرده‌اند و لذا نسبت به این انتخاب بد مسئولند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿اِحْشُوا الَّذِیْنَ ظَلَمُوا وَاُزُواْجَهُمْ وَمَا کَانُوا یَعْبُدُوْنَ؛ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَاهْدُوْهُمْ اِلٰی صِرَاطِ الْجَحِیْمِ؛ وَقَفُوْهُمْ اِنْهُمْ مُّسْتَقْبِلُوْنَ﴾؛ «ما لکم لا تتاضربون»؛ مراد از «ما یعبدون من دون الله» فرمان‌روایان ستمگری است که این افراد، آنها را به فرمان‌روایی خویش برگزیده‌اند؛ خطاب می‌رسد که آنها را متوقف کنید تا از این سؤال پاسخ دهند که چرا فرمان‌روایان صالح و مشروع را یاری نکردید؟! این «احشوا» اشاره به جوامعی است که می‌آیند و حاکمان نامشروع را انتخاب می‌کنند و به آنها قدرت می‌دهند. بنابر قرائن زیاد، مراد از ما ﴿یُعَذِّبُوْنَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ﴾؛ یعنی یطیعون؛ عبادت یعنی اطاعت. دستور می‌رسد ﴿وَقَفُوْهُمْ اِنْهُمْ مُّسْتَقْبِلُوْنَ﴾ دستور داده می‌شود و از آنها پرسیده می‌شود: چرا حاکمان الهی را یاری نکردید؟ این حمایت، قدرت به حاکمان می‌دهد. اگر حاکم بر حقی باشد، مردم از او حمایت نکنند و انتخاب نکنند، به او قدرت ندهند، آنها هم به قدرت نمی‌رسند.

اگر جامعه انتخاب بد کند و قدرتی که در اختیار اوست و خدا این قدرت اختیار را به او داده، در انتخاب انسان‌های غیرصالح قرار دهد، با این عمل، سبب آسیب‌هایی به جامعه می‌شود. این همان آتشی است که اگر جامعه با انتخاب بد خود، آن را بر افروخت، دودش به چشم خود جامعه خواهد رفت و سرانجام آن جامعه را خواهد سوزانید؛ لذا انتخاب تعیین‌کننده است؛ چراکه سرنوشت جامعه‌ای را تعیین می‌کند. انتخاب کردن یعنی قدرت دادن به حاکم یعنی او را به حاکمیت رساندن. این الزاماً به‌معنای مشروع بودن حاکمیت او نیست؛ چون این بستگی دارد به اینکه مردم درست یا نادرست انتخاب کنند.

برای فهم این مسئله، بیان این مسئله مهم است که در فقه سیاسی بحث مفصلی داریم که آیا مشروعیت، قبل یا بعد الانسان است. آنچه را که مشروع است، انسان باید انتخاب کند که مشروعیتش قبل از انتخاب معین شده است؛ یعنی از منبعی مافوق انسان. عقل و شرع به‌صورت قطعی اثبات می‌کند که قبل الانسان است؛ لذا انسان قبل آنچه را که مشروع می‌باشد، باید انتخاب



تبیین راهبردهای چهارگانه امام خامنه‌ای درباره انتخابات

گفت‌وگو با رئیس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی

آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم پرافتخار استان‌های خوزستان و کرمان، انتخابات ۱۱ اسفند را بسیار مهم، تعیین‌کننده و زمینه‌ساز تحول خواندند و با تبیین اهمیت مجلس شورای اسلامی در حل مشکلات موجود و تعیین مسیر حرکت کشور، تأکید کردند: ملت خود را برای برگزاری انتخابات به بهترین شکل یعنی همراه با ۴ خصوصیت (مشارکت قوی و پرشور، رقابت واقعی جناح‌ها و دیدگاه‌های مختلف، سلامت حقیقی و امنیت کامل) آماده کند. ایشان با اشاره به جایگاه مهم انتخابات مجلس خبرگان، در تبیین اهمیت اصل و منطق انتخابات در جمهوری اسلامی، گفتند: جمهوریت و اسلامیت نظام هر دو به انتخابات وابسته است؛ چراکه تحقق جمهوریت و مردم‌سالاری و حاکمیت مردم در اداره کشور، هیچ راهی جز برگزاری انتخابات ندارد. به‌همین منظور هفته‌نامه افق حوزه در گفت‌وگو با استاد سید صمصام الدین قوامی، رئیس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی و استاد خارج فقه حوزه علمیه قم، به تبیین بیانات مقام معظم رهبری درباره انتخابات پرداخته است.

● **انتخابات، تأیید تداوم نظام ولایت و قانون اساسی**

در اسفندماه دو انتخابات برگزار خواهد شد. یکی مجلس خبرگان رهبری که با هدف درآندیشی برای یک مقصد مهم معنوی، سیاسی و ولایی، برای نیابت از امام زمان علیه السلام است و دیگری مجلس شورای اسلامی برای امور زندگی، تأمین معیشت و سیاست اجتماعی مردم است. یک انتخاب برای امام و یکی برای مردم که سرنوشت زندگی مردم را مشخص می‌کند. بعضی‌ها که با شیطنت، فرزاندم را مطرح می‌کردند، باید توجه داشته باشند که هر انتخابات، یک فرزاندم است؛ حضور مردم در انتخابات، یعنی تأیید سیستمی که شورای نگهبان دارد و این شورا شرایط انتخابات را تعیین و این نظام آن را برگزار می‌کند. انتخابات عملاً تأیید تداوم نظام ولایت و قانون اساسی است؛ زیرا در قانون اساسی نوشته شده است: رأی مردم سرنوشت‌ساز است.

● **انتخابات در بیان رهبری**

رهبر معظم انقلاب در بخشی از سخنرانی خود در دیدار با مردم دو شهر کرمان و خوزستان، در مورد انتخابات سنگ تمام گذاشتند. ایشان در چندساله قبل فرمودند: من به مردم‌سالاری وفادارم و با این بیان می‌خواستند ثابت کنند، ولایت فقیه با انتخابات هم‌ساز و هم‌خوان است؛ این‌طور نیست که یکی به دیگری ضربه بزند. انتخابات برای انتخاب خدمت‌گزاران است؛ خدمت‌گزارانی که در جارجوب ولایت و هدایت ایشان، به مردم خدمت‌رسانی می‌کنند؛ بلکه ولایت با غنی‌سازی انتخابات، مردم را هدایت می‌فرماید تا مردم به انتخاب اصلاح و افضل برسند. رهبری امروز فرمودند: انتخابات جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد. این یعنی مردم صاحب انقلاب‌اند و تا الان با انواع حضور خود، انقلاب را بقایا دادند و یکی از اقسام این حضور، حضور در انتخابات است. نکته دیگری که پایه تحول و برای بهبود

شرایط و رفتن از این حال به حال بهتر است و رهبری هم به آن اشاره فرمودند، انتخابات است. اصرار رهبری بر انتخابات و حضور مردم، نشان از این است که این نظام، مردم‌سالاری دینی است؛ اما در غرب، دموکراسی‌ها، هدایت شده است؛ منتهی هدایت‌شده قدرت و شیطنت؛ چه اروپا، چه آمریکا و چه در جاهای دیگر، مثل اروپای شرقی که انتخابات تشریفاتی است؛ مثلاً یک آقایی تا مادام‌العمر اسمش رئیس‌جمهور است؛ اما اینجا ولایت فقیه پیگیر انتخابات است؛ این نشان این است که خود شخص ایشان، از آرای مردم استقبال می‌کنند و از طرفی دیگر آرای مردم پایه تقویت و تثبیت ولایت فقیه و تحول‌بخش است.

● **ارکان چهارگانه انتخابات در نگاه رهبر معظم انقلاب**

رهبری به چهار رکن در انتخابات اشاره کردند: الف) رکن اول مشارکت قوی است. بازگشت این رکن به مردم است که قرار است، آرا را در صندوق قرار دهند. مشارکت قوی یعنی باشکوه، از جهت عدد و رقم بالا و خیره‌کننده، مشارکتی که فرد خوبی هم رأی آورده باشد. ب) رکن دوم، رقابت واقعی است که به رأی‌گیرندگان، یعنی احزاب و نامزدها باز می‌گردد؛ مثلاً وقتی عده‌ای زرتگ‌تر هستند و می‌توانند، با پول و ثروت و اصحاب قدرت ارتباط برقرار کنند و از طرفی، یک عده‌ای نمی‌توانند. وقتی شرایط یکسان نبود، انتخابات یک رقابت واقعی نیست. برای حفظ رقابت واقعی، باید سلیقه‌ها و افکار گوناگون در انتخاب شرکت کنند؛ تا مردم با میل خود انتخاب کنند؛ البته این به‌معنای دو قطبی نیست. از طرفی نامزدها باید واقعاً صلاحیت لازم را در خود ببینند و دارای برنامه و چشم‌انداز باشند؛ تا رقیب را با برنامه خودشان کنار بزنند که این، از ویژگی انتخابات واقعی است.

ج) رکن سومی که رهبری فرمودند، رکن امنیت است که

نگاهی مقایسه‌ای به انتخابات در دو اندیشه اسلامی و غربی

گفت‌وگو با آیت‌الله محسن اراکی

مردم در انتخابات ایران اسلامی، تعیین‌کننده می‌باشند. دلیل ما روشن است. از سویی افرادی انتخاب می‌شوند که هیچ جریان سیاسی خاصی با آنها نبوده، دفعتاً جلو می‌آیند و خودشان را مطرح کنند. می‌توانند برنامه و شعارهایی را ارائه دهند و کاری کنند که نظر اکثریت مردم را جلب کنند؛ مثلاً در دوره آقای احمدی‌نژاد، کسی ایشان را نمی‌شناخت؛ ولی وی توانست، وارد انتخابات شود و نظر مردم را به خود جلب کند و دو دوره رئیس‌جمهور ایران شود. با اینکه آدم ناشناخته‌ای بود. آیت‌الله محسن اراکی، عضو شورای‌عالی حوزه و عضو خبرگان رهبری در گفت‌وگویی با حوزه درباره اهمیت انتخابات اسفند ۱۴۰۲ به سوالاتی در این خصوص پاسخ گفته است که متن مصاحبه به شرح زیر است.

در زمان امام حسن علیه السلام همه اتفاق نظر داشتند که ایشان مشروعیت برای حاکمیت دارد؛ ولی با استفاده از مکر، فریب و تطمیع رؤوس شیوخ آن وقت و تهدید، جامعه را وادار کردند، قدرت را در اختیار معاویه قرار دهد و بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز گرفتار رنج آن انتخاب بد هستیم. از دیگر پیامد این رنج، خانه نشینی حاکمیت مشروع از سوی خدا و قرار گرفتن قدرت در اختیار افراد نامشروع بود. این کار را متأسفانه برخی از جوامع گذشته کرده‌اند و لذا نسبت به این انتخاب بد مسئولند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿اِحْشُوا الَّذِیْنَ ظَلَمُوا وَاُزُواْجَهُمْ وَمَا کَانُوا یَعْبُدُوْنَ؛ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَاهْدُوْهُمْ اِلٰی صِرَاطِ الْجَحِیْمِ؛ وَقَفُوْهُمْ اِنْهُمْ مُّسْتَقْبِلُوْنَ﴾؛ «ما لکم لا تتاضربون»؛ مراد از «ما یعبدون من دون الله» فرمان‌روایان ستمگری است که این افراد، آنها را به فرمان‌روایی خویش برگزیده‌اند؛ خطاب می‌رسد که آنها را متوقف کنید تا از این سؤال پاسخ دهند که چرا فرمان‌روایان صالح و مشروع را یاری نکردید؟! این «احشوا» اشاره به جوامعی است که می‌آیند و حاکمان نامشروع را انتخاب می‌کنند و به آنها قدرت می‌دهند. بنابر قرائن زیاد، مراد از ما ﴿یُعَذِّبُوْنَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ﴾؛ یعنی یطیعون؛ عبادت یعنی اطاعت. دستور می‌رسد ﴿وَقَفُوْهُمْ اِنْهُمْ مُّسْتَقْبِلُوْنَ﴾ دستور داده می‌شود و از آنها پرسیده می‌شود: چرا حاکمان الهی را یاری نکردید؟ این حمایت، قدرت به حاکمان می‌دهد. اگر حاکم بر حقی باشد، مردم از او حمایت نکنند و انتخاب نکنند، به او قدرت ندهند، آنها هم به قدرت نمی‌رسند.

اگر جامعه انتخاب بد کند و قدرتی که در اختیار اوست و خدا این قدرت اختیار را به او داده، در انتخاب انسان‌های غیرصالح قرار دهد، با این عمل، سبب آسیب‌هایی به جامعه می‌شود. این همان آتشی است که اگر جامعه با انتخاب بد خود، آن را بر افروخت، دودش به چشم خود جامعه خواهد رفت و سرانجام آن جامعه را خواهد سوزانید؛ لذا انتخاب تعیین‌کننده است؛ چراکه سرنوشت جامعه‌ای را تعیین می‌کند. انتخاب کردن یعنی قدرت دادن به حاکم یعنی او را به حاکمیت رساندن. این الزاماً به‌معنای مشروع بودن حاکمیت او نیست؛ چون این بستگی دارد به اینکه مردم درست یا نادرست انتخاب کنند.

برای فهم این مسئله، بیان این مسئله مهم است که در فقه سیاسی بحث مفصلی داریم که آیا مشروعیت، قبل یا بعد الانسان است. آنچه را که مشروع است، انسان باید انتخاب کند که مشروعیتش قبل از انتخاب معین شده است؛ یعنی از منبعی مافوق انسان. عقل و شرع به‌صورت قطعی اثبات می‌کند که قبل الانسان است؛ لذا انسان قبل آنچه را که مشروع می‌باشد، باید انتخاب

و حضور مردم کاسته بشود؛ بلکه به این معناست که افرادی که لیاقت خود را در عرصه‌های مختلف ثابت کرده باشند، خودشان و بستگانشان، فساد اقتصادی و اخلاقی نداشته باشند. انتخابات سالم یعنی افرادی که وارد این انتخابات می‌شوند، نقطه سیاهی در زندگی‌شان نباشد؛ مثلاً کسی که با سرمایه‌داران هماهنگ می‌شود، نمی‌تواند انتخابات را سالم کند. کسی که از بیت‌المال استفاده می‌کند، از رسانه ملی بیش از حد استفاده می‌کند؛ مثلاً بارها در شبکه‌های خبری دیده شده که بعضی افراد به‌بهانه افتتاح پروژه می‌آمدند، خودشان را مطرح می‌کردند و مقامات از آنها تعریف می‌کردند؛ خب الان رسانه زنده در خدمت یک نماینده‌ای که گفته من الان نماینده از فلان‌جا هستم، می‌باشد؛ این به سلامت انتخابات آسیب می‌زند. کسانی که زر و زور و تزویر بیشتری دارند، بیایند و در رسانه، جایگاه‌ها را تسخیر کنند؛ خب اینها اگر بیایند، دیگر نماینده مردم نیستند؛ نماینده یک گروه پرقدرت می‌شوند که باید با هم پروژه‌هایی داشته و به فکر منافع خودشان باشند و نه منافع مردم. سلامت را در درجه اول شورای نگهبان تأمین می‌کند و آن مراکزی که اطلاعات لازم را از افراد دارند، نباید تعارف بکنند؛ البته این به این معنا نیست که فرد از هستی ساقط بشود؛ بلکه یعنی شما نباید اینجا بیایید. خود فرد نباید بیاید. وقتی فرد مشکل دارد، خودش نباید بیاید تا دل‌گیر نشود.

● **حضور حداثری جناح‌ها در انتخابات**

مهمترین نکته که مقام معظم رهبری فرمودند، این بود که جناح‌ها باید در انتخابات شرکت کنند. شاید فرمایش ایشان این بود که شورای نگهبان باید در برسی صلاحیت‌ها بازتر نگاه بکند. با جناح‌های جدیدی که در یک گروهی غیر اصلاحات و اصول‌گراها باشند. نکته فرمایش ایشان این بود که انتخابات بسته نباشد که مشارکت کمی شکل بگیرد؛ مثلاً افرادی در انتخابات ریاست جمهوری تأیید صلاحیت می‌شوند که توانایی اداره کشور را ندارند؛ اما افراد قوی‌تر حذف می‌شوند. در این انتخابات این‌گونه نباید باشد؛ لذا شورای نگهبان باید دقت کند تا ببیند، منظور این فرمایش حضرت آقا چه بوده است. بنده بعید می‌دانم، افرادی که در دوره‌های قبل رد صلاحیت شدند، در این دوره تأیید صلاحیت شوند. بنده در استانی به مجلسی رفته که نماینده رد صلاحیت‌شده‌ای کنار من نشستہ بود و شروع به درد دل کرد که مرا به‌دلیل اینکه التزام به اسلام ندارم، رد صلاحیت کردند. باید توجه داشت، اصطلاحات این دستی‌ضربه‌زننده است، سختگوی شورا باید این واژه‌ها را توضیح دهد تا آبروی افراد حفظ شود و با انتخاب اصطلاحات بهتر، باعث دل‌مردگی افراد انقلابی نشوند. شورای نگهبان باید دقت کند

خبرآیبحث خالص‌سازی مطرح‌شده‌است؛ خالص‌سازی یک امر عقلانی است؛ یعنی مقام و جایگاه خبرگان و مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات

مجلس را به هرکسی ندهیم؛ نه به این معنا که یک حزب حذف بشود و تک‌صدایی ایجاد بشود تا از گرمای انتخابات